

بِسْمِ اللَّهِ
الرَّحْمَنِ
الرَّحِيمِ





مراستامه

حزب توسعه ملى ايران اسلامى

مقدمه:



ملت بزرگ ایران در مبارزات تاریخ معاصر خود اهداف و آرمان‌های مشخصی را پی گرفته است. استقلال، حاکمیت اراده ملت بر سرنوشته خویش و بر خور داری و رفاه اقتصادی، مضمون مشترک مطالبات این مبارزه مستمر و طولانی را تشکیل می‌دهد. انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (ره) در ادامه نهضت مشروطه و نهضت ملی نفت، به مثابه نقطه عطفی در این مسیر محسوب می‌شود که طی آن این ملت بزرگ توانست با عبور از عصر سلطنت و با راهبرد ماندگار استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی، آرمان‌های تاریخی خود را با ظرفیت و امید بی‌پایان از پیش پی بگیرد. استقلال سیاسی و تثبیت نهاد انتخابات در قالب نظام جمهوری اسلامی به مثابه دو دستاورد بزرگ و ماندنی انقلاب، تنها تحقق یک خواسته ملی تاریخی نبود بلکه فراهم آمدن بستری فراخ و ظرفیتی پرامکان برای پیگیری آرمان‌های تاریخی در سطحی فراتر و در قالب مبارزه‌ای مسالمت آمیز، قانونی و مستمر بود. درک این دو حقیقت یعنی ضرورت تداوم مبارزه برای تحقق هر چه کامل‌تر و عمیق‌تر آرمان‌های تاریخی ملت بزرگ ایران و پیگیری این مبارزه از طریق فرایندهای قانونی، مسالمت آمیز و تدریجی، همان چیزی بود که در سال ۱۳۷۶ جنبش اصلاحی ایران را رقم زد. جنبشی که به عنوان یکی از گسترده‌ترین،



عمیق‌ترین و تأثیرگذارترین پدیده‌های سیاسی اجتماعی در تاریخ جمهوری اسلامی و به رغم همه موانع و دشواری‌ها چه در سطح قدرت رسمی و چه در سطح اجتماعی و فرهنگی، دستاوردهای ماندگار و انکارناپذیری برجای گذاشته است، آن گونه که منطبق و گفتمان اصلاح‌طلبانه، در سطح جریان‌های سیاسی و اجتماعی غیراصلاح طلب نیز تعمیم یافته است.

بی‌تردید استمرار تلاش برای تحقق کامل آرمان‌ها و خواست‌های تاریخی ملت و پایداری و شکوفایی دست‌آوردهای حاصله، مستلزم مشارکت فراگیر و سازمان یافته آحاد مردم است. در این زمینه تشکیل و تقویت احزاب سیاسی و توسعه و تعمیق نهاد حزب در کشور، بعنوان اصلی مورد تأیید قانون اساسی، یکی از بسترهای اصلی تحقق این مشارکت به حساب می‌آید.

براین اساس حزب توسعه ملی ایران اسلامی به عنوان یک تشکل سیاسی اصلاح طلب، با اعتقاد به مکتب حیاتبخش اسلام و مبانی مردم‌سالاری تشکیل می‌شود. این حزب بر مبنای اصول مندرج در مرامنامه، با التزام به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به عنوان میثاق ملی و کلیه اصول مندرج در آن، از جمله اصل ولایت مطلقه فقیه فعالیت می‌کند. ماهیت و هویت مبانی نظری و اعتقادی حزب، بر پایه اصول اسلامیت و مردم‌سالاری، ثابت و غیرقابل تغییر است.



الف: دیدگاه‌ها، آرمان‌ها و اصول مرامی:

اهم دیدگاه‌ها، آرمان‌ها و اصول مرامی حزب توسعه ملی ایران اسلامی به شرح زیر است:

الف. دین، انسان و اجتماع

دین، هدایت الهی برای رستگاری و سعادت جاودان فرد انسانی است، از این رو ماهیتی فردی دارد. اما از آنجا که انسان دارای طبع و سرشتی اجتماعی است و رفع نیازهای او و در نتیجه رشد و کمال او جز در زیست اجتماعی محقق نمی‌شود، دین و به عبارت دقیق‌تر دین جامع (اسلام) به حیات اجتماعی و جمعی انسان توجه و تأکید دارد و حاوی احکام و آموزه‌هایی برای این وجه از زیست انسانی نیز هست. بنابراین نمی‌تواند محدود به ساحت فردی باشد. هرچند که در تحلیلی نهایی وجه اجتماعی دین در خدمت رستگاری جاودانی انسان است. اهداف و غایات دین، برخی ناظر به وجه فردی و برخی ناظر بر وجه جمعی دین هستند. تحقق مناسبات عادلانه در تمامی عرصه‌های اجتماعی بر شالوده‌ای از معنویت و اخلاق، عالی‌ترین هدف اجتماعی اسلام است.

الف. عدالت اجتماعی

رشد و کمال انسان و اساساً هویت انسانی وی در رقابت و همکاری با دیگران در عرصه زیست اجتماعی تحقق می‌یابد. فقدان رقابت و همکاری آزاد با هم‌نوعان، موجب



توقف و سکون انسان در مسیر رشد و کمال می‌شود و غیرمنصفانه بودن شرایط رقابت و همکاری، فرایند تحقق هویت انسانی را مختل می‌کند. شرایط رقابت و همکاری منصفانه در همه حوزه‌های زیست اجتماعی انسان همان چیزی است که می‌توان از آن با عنوان عدالت جمع‌گرا یاد کرد. به این ترتیب می‌توان «عدالت» را در سه سطح برابری در استفاده از فرصت‌ها و مواهب اولیه اساسی مادی و معنوی (عدالت در فرصت‌ها)، عادلانه و منصفانه‌تر کردن رویه‌ها و سازوکارها (عدالت در فرایندها)، و توزیع متوازن و منصفانه مطلوبیت‌های اجتماعی کمیاب نظیر ثروت و قدرت و منزلت و اطلاعات (عدالت در برخورداری‌ها) تعریف کرد.

طبعاً تحقق عدالت با مفهوم فوق، به طور کامل در عالم واقع امری ناممکن است اما تلاش برای نزدیک شدن هرچه بیشتر به این وضعیت آرمانی، امری ممکن و لازمه یک نظام عادلانه اجتماعی است. بنابراین به میزانی که در یک جامعه، توزیع متناسب مواهب اولیه در سطحی گسترده‌تر، رویه‌ها و روندها منصفانه‌تر و دامنه برخورداری از مطلوب‌های کمیاب گسترده‌تر باشد، آن جامعه از سطح بالاتری از عدالت برخوردار است.

عدالت و حق، دو مفهوم همبسته هستند و عدالت اجتماعی یعنی برابری در برخورداری از حقوق انسانی در تمامی سطوح اقتصادی، قضائی، سیاسی و اجتماعی و فرهنگی.



از این رو به نظر ما، عدالت اجتماعی در مفهوم جامع آن متضمن مفاهیم آزادی، امنیت، بهره‌مندی عمومی از مواهب مادی و برابری قانونی و حقوقی است. وظیفه دولت در این جامعه نه برابر سازی مکانیکی جامعه و اقدامات و دخالت‌های هیجانی، مردم‌انگیزاننده و به ظاهر عدالت‌خواهانه که در عمل به بی‌عدالتی بیشتر می‌انجامد، بلکه طراحی و مدیریت سازوکارها و فرایندهایی است که به طور طبیعی و در قالب رقابتی آزاد، به عدالت همه جانبه به مفهوم سابق‌الذکر بینجامد.

▲ آزادی و مردم‌سالاری

افراد جامعه در سرنوشت، آینده زیست اجتماعی و نحوه اداره جامعه به یک اندازه حق دارند و در این امور هیچ فرد یا گروهی از حق ویژه و در نتیجه آزادی بیشتر و امکان تصرف گسترده‌تر برخوردار نیست.

آزادی عقیده، آزادی بیان، آزادی قلم و آزادی سازمان‌یابی از جمله آزادی‌هایی است که ذیل دو نوع آزادی مدنی و سیاسی صورت‌بندی می‌شوند.

شاخص مردم‌سالاری در یک نظام سیاسی، آزادی اقلیت مخالف و منتقد و امکان استفاده ایشان از رسانه‌های جمعی و فراهم بودن امکانات و هموار بودن سازوکارهای قانونی برای تبدیل شدن اقلیت به اکثریت است. وجود انتخابات آزاد و سالم و برخوردار از رقابت عادلانه، ملاک و محک مهم



دیگری برای وجود مردمسالاری در یک نظام سیاسی است. حکومت مردمسالار موظف به تامین شرایط و توانمند سازی شهروندان برای برخورداری و استفاده از حقوق و آزادی‌های مدنی و سیاسی خویش است.

▲ اخلاق و معنویت

رستگاری و سعادت انسان در گرو نیل به کمال معنوی و اخلاقی است. به همین سبب پیامبر اسلام(ص) هدف از رسالت خود را اتمام مکارم اخلاق اعلام فرموده است. از این رو امکان رشد و تعالی معنوی و اخلاقی نیز همانگونه که قانون اساسی نیز تأکید کرده، حقی در کنار سایر حقوق از جمله حق آزادی و امنیت و ... بلکه از مهم‌ترین حقوق انسان است. اما در سطح اجتماعی و عینی، تحقق اهدافی نظیر امنیت، عدالت، آزادی و رفاه با شالوده‌ای از اخلاق و معنویت، بستر ساز دستیابی انسان‌ها به حق رشد و کمال معنوی و اخلاقی به صورتی گسترده و فراگیر است.

معنویت و اخلاق، مفاهیمی انتزاعی و بی‌ارتباط با مقولات اجتماعی نیست. مقولات اخلاقی و اجتماعی در حوزه‌های مختلف به نحوی با یکدیگر آمیخته‌اند که تفکیک آنها عملاً ممکن نیست. هر عمل و کنش اجتماعی و اقتصادی در عین حال می‌تواند عمل و کنشی اخلاقی و معنوی به شمار آید.

با توجه به نقش تعیین‌کننده دولت در اداره جامعه و نیز



اهمیت ویژه مناسبات میان حکومت و جامعه و تاثیر آن بر سایر حوزه‌های اجتماعی، بیش از هر عرصه دیگری، ارزش‌ها و اصول اخلاقی باید در عرصه روابط دولت-ملت ظهور و بروز داشته باشد. التزام حاکمان و حکومت‌گران به موازین و اصول اخلاقی در تعامل با ملت و التزام آنان به امانت‌داری و وعده‌ها و تعهدات در قبال ملت، رعایت حقوق، آبرو و حیثیت و احترام به کرامت انسانی آحاد جامعه توسط ایشان و اجتنابشان از دروغ و فریب، ریاکاری، نقض عهد، خیانت در امانت، مطلقیت، برتری طلبی و ... پیش شرط تعمیم موازین اخلاقی در دیگر حوزه‌های اجتماعی است.

▲ جامعه و حکومت

جامعه بستر رشد و کمال انسان است. از منظر حزب، جامعه آرمانی، جامعه‌ای است برخوردار از مناسبات مبتنی بر عدالت و آزادی و معنویت که امکان رشد متوازن و تامین نیازهای مادی و معنوی انسان در آن فراهم باشد. مناسبات اجتماعی و اقتصادی، لایتغیر و مقید به شکل و یا اشکال خاص نیست و برای توانمندسازی آن، از کلیه ابتکارات، تجارب و دستاوردهای معرفت بشری در این زمینه‌ها می‌توان بهره برد.

خداوند انسان را مختار و آزاد آفریده است. بنابراین حاکمیت بر سرنوشت و مقدرات فردی و اجتماعی، حق ذاتی انسان است. هرگونه سلب این حق، استبداد و مخالف خواست



خداوند است. حکومت به مثابه نهادی عرفی، نتیجه قرارداد اجتماعی و اقدام رضایت‌مندانه آحاد جامعه به واگذاری بخشی از حقوق خود به نهاد حکومت است که اصلی‌ترین وظیفه آن تنظیم ضوابط و مناسبات تأمین‌کننده امنیت و شرایط زیست بهتر و نظارت و اجرای صحیح آن است. به عبارت دیگر قدرت متمرکز، برآمده از اراده صاحبان حق و پاسخگو در برابر آن‌هاست.

حیطه اختیارات و صلاحیت‌های حکومت، محدود به حدودی است که جامعه در قالب قرارداد اجتماعی تجلی یافته در قانون اساسی آن جامعه، برای وی تعیین کرده است و مردم، حق جابجایی قدرت از طرق مسالمت‌آمیز را دارند.

از میان اشکال و الگوهای آزموده شده حکومت، الگوی جمهوریست که مبتنی بر آزادی و خیر و مصلحت عمومی است، مناسب‌ترین الگوی نظری به شمار می‌رود.

تلاش برای ایجاد جامعه‌ای برخوردار از امنیت، عدالت و آزادی و اخلاق و معنویت با طراحی سیاست‌ها و برنامه‌ها و بهره‌گیری از روش‌ها و سازوکارهایی که مغایرتی با مبانی دینی ندارند، مهم‌ترین و اصلی‌ترین شاخص‌ها و ملاک‌های دینی بودن حکومت در سطح اهداف و برنامه‌هاست. بارزترین روش‌ها و سازوکارهای مغایر با موازین دینی، روش استبدادی در اداره امور کشور است که با اساس دین یعنی توحید و لازمه آن یعنی کرامت ذاتی انسان مغایرت دارد.



بنابراین حکومتی که اراده و مشارکت جامعه در اداره آن نقشی نداشته و بر اساس خواست و اراده فردی یا گروهی معین اداره شود قطعاً حکومت اسلامی نخواهد بود. معیارهای مذکور در یک نظام سیاسی می‌تواند به روش‌ها و اشکال مختلفی محقق شود. بنابراین حکومت اسلامی محدود به شکلی معین و صورتی خاص نیست. هر حکومتی که از ویژگی‌ها و ملاک‌های مذکور برخوردار باشد و فراهم آوردن بستری مناسب برای رشد و تعالی انسان مختار و آزاد را هدف خود قرار دهد، حکومتی اسلامی خواهد بود. عالمان و فقیهان مسلمان در باب حکومت، نظریه‌های مختلفی ارائه داده‌اند. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، از میان این نظریه‌ها، نظریه حکومتی ولایت فقیه با تفسیری سازگار با ملاک‌های سابق‌الذکر به عنوان مبنای نظم سیاسی نظام، به رسمیت شناخته شده است و از اصول تغییرناپذیر این قانون محسوب می‌شود. لذا التزام به آن وظیفه قانونی همه کسانی است که خواهان فعالیت سیاسی در چارچوب قانون اساسی هستند.

▲ توسعه درون‌زا و پایدار

توسعه به مثابه یک فرآیند، عبارت است از «فرآیند افزایش پایدار ظرفیت‌ها و پویایی‌های یک نظام اجتماعی به منظور برآورده ساختن نیازهای جامعه و تطبیق با شرایط متحول محیطی» این فرآیند را می‌توان در مقاطعی از مسیر حرکت

خود که اهداف آن به طور نسبی در ابعاد مختلف تحقق یافته است (وضعیت معین) مورد بررسی قرار داد.

توسعه به این معنا، توسعه همه جانبه یا ملی نامیده شده و شامل همه جوانب زندگی جمعی یعنی جوانب سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می شود و می توان آن را در هر یک از جوانب مذکور تعریف کرد.

راهبردهای توسعه ناظر به اهداف، ارزش ها و بایسته های مطلوب یک جامعه است و هر جامعه فرآیند توسعه خود را متناسب با ظرفیت ها، امکانات و محدودیت های مادی و معنوی خود، براساس آن ها تعریف می کند. رشد و بهره وری، عدالت و امنیت از مهم ترین ارزش های مبنای راهبرد توسعه در حوزه های مختلف زیست اجتماعی است.

در حوزه سیاسی از نظر حزب، ارزش های کلی عدالت، امنیت و حق انتخاب رهبران و گزینش خط مشی های عمومی، تعیین کننده ترین ارزش ها در راهبرد توسعه به شمار می آید. از این نظر دو شاخص کلان «میزان مشارکت سیاسی» و «گسترده گی رقابت سیاسی» که تضمین کننده ارزش های فوق است، مبنای ارزیابی سطح توسعه یافتگی جامعه به شمار می آید. تفکیک هر یک از این دو شاخص و تأکید بر یکی و فراموشی دیگری در راهبرد توسعه منجر به توسعه نامتوازن و بحران های سیاسی اجتماعی می گردد. بنابراین از نظر حزب، افزایش مشارکت توأم با گسترش رقابت، اصلی ترین شاخص های

توسعه سیاسی به شمار می‌رود. در حوزه اقتصادی، عدالت و رشد و پیشرفت و برخورداری مردم از خدمات تداوم بخش زندگی، ارزش‌های مبنای راهبرد توسعه اقتصادی است. لذا از نظر حزب دو شاخص «میزان تولید سرانه ملی» و «میزان تناسب در توزیع درآمد» مهم‌ترین شاخص‌های توسعه اقتصادی به شمار می‌رود. شاخص نخست ناظر به رشد و بهره‌وری اقتصادی و شاخص دوم ناظر به عدالت اقتصادی است. بر این اساس راهبرد توسعه اقتصادی متوازن، راهبرد رشد همزمان با توزیع مجدد است.

در عرصه اجتماعی با توجه به ارزش‌های سابق الذکر، سطح توسعه یافتگی اجتماعی یک جامعه را می‌توان براساس دو شاخص کلان «میزان تقسیم کار و تخصصی شدن» و «میزان احساس مشارکت و همبستگی جمعی» تعریف کرد. شاخص اول ناظر به وضعیت افتراق‌یابی نهادی نیروهای اجتماعی است و شاخص دوم ناظر به وحدت و همبستگی اجتماعی است. بر این اساس راهبرد توسعه اجتماعی مطلوب از نظر حزب راهبرد افتراق نهادین همراه با همبستگی اجتماعی است.

در عرصه فرهنگی، محترم شناختن فرهنگ‌ها و افزایش مشارکت در تولید محصولات فرهنگی و مصرف آن، همبستگی و التزام به ارزش‌های مذهبی و ملی مهم‌ترین ارزش‌های مبنای توسعه فرهنگی به شمار می‌رود. بنابراین

«میزان تنوع و خلاقیت و تولید محصولات فرهنگی» و «میزان هم‌پذیری و هم‌زیستی در قالب یک واحد بزرگ فرهنگی» مهم‌ترین شاخص‌های توسعه فرهنگی به شمار می‌آید. شاخص نخست تضمین‌کننده احترام به خرده فرهنگ‌ها و محترم‌شناختن تکثر فرهنگی و شاخص دوم تأمین‌کننده وحدت و همبستگی فرهنگی در سطح ملی است. از این رو راهبرد مطلوب فرهنگی از نظر حزب، تولید و خلاقیت همراه با یکپارچگی فرهنگی مبتنی بر عالی‌ترین ارزش‌های ملی غیر مغایر با ارزش‌های دینی و همچنین ارزش‌های مذهبی جامعه ایران است.

ب: اهداف

حزب توسعه ملی ایران اسلامی، برای تحقق اهداف زیر تلاش می‌کند:

- تثبیت و نهادینه کردن اهداف و آرمان‌های اصیل انقلاب اسلامی یعنی استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی
- رشد و ارتقاء سطح آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی جامعه و سازماندهی و بسیج نیروهای اجتماعی به منظور مشارکت در اداره امور کشور
- تحقق کامل اصل حاکمیت انسان بر سرنوشت خویش به عنوان یک حق خدادادی و مورد تأکید قانون اساسی و حفظ کرامت انسانی شهروند ایرانی
- تحقق جامعه‌ای آباد، آزاد و برخوردار از عدالت و امنیت

و رفاه

- تحکیم مبانی و بسط مناسبات عادلانه در کلیه سطوح فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی
- ارتقای معنویت و اخلاق در سطح جامعه
- ایجاد زمینه‌های لازم برای توسعه متوازن و پایدار
- تحکیم وحدت و همبستگی ملی

▲ ج: خط مشی و راهبردها

- حزب توسعه ملی ایران اسلامی می‌کوشد اهداف و آرمان‌های فوق را در قالب اصول راهبردی زیر پیگیری کند:
- تأکید بر اجرای بی‌کم و کاست کلیه اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و استفاده از حداکثر ظرفیت این قانون برای حل مشکلات کشور
 - التزام به فعالیت قانونی و مسالمت‌آمیز به مثابه اصول رویکرد اصلاح طلبانه
 - تلاش در جهت رشد آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی جامعه
 - التزام به تکرر سیاسی و احترام به حقوق همه تشکلهای و فعالان سیاسی
 - التزام به اصول اخلاقی در کلیه امور به ویژه در رقابت‌های سیاسی
 - التزام به منافع و مصالح ملی و مقدم داشتن آن بر منافع حزبی

- دفاع از حقوق و آزادی‌های اساسی از جمله آزادی بیان، آزادی رسانه‌ها، آزادی اجتماعات و ...
 - تلاش در جهت استیفا و تثبیت حقوق شهروندی
 - تلاش در جهت تقویت حزب و نهادهای مدنی
 - تعامل با نهادهای حکومتی از طریق حمایت و نقد عملکردها و ارائه پیشنهادهای و برنامه‌های مفید برای حل مشکلات کشور
 - احترام به تکثر قومی، فرهنگی و مذهبی جامعه ایران و حمایت از حقوق پیروان ادیان، مذاهب و اقوام ایرانی در چارچوب قانون اساسی و تلاش برای مشارکت هرچه بیشتر اقوام و مذاهب در اداره امور کشور با هدف افزایش وحدت و همبستگی ملی
 - تلاش در جهت تمرکز زدایی و توزیع قدرت در اداره امور کشور در چارچوب قانون اساسی
 - تلاش برای مشارکت در اداره امور کشور از طریق تهیه و ارائه برنامه برای حوزه‌ها و بخش‌های مختلف، مشارکت در انتخابات و ...
 - تلاش و تمرکز بر امر شفاف‌سازی و مبارزه با فساد سازمان‌یافته در همه ابعاد
- این مرامنامه در تاریخ ۶۹/۲/۷ به تصویب اولین مجمع عمومی (کنگره) حزب رسید



اساسنامہ

حزب توسعہ ملے ایران اسلامے

فصل اول: کلیات



● **ماده ۱:** حزب توسعه ملی ایران اسلامی که در این اساسنامه به اختصار حزب نامیده می‌شود، تشکیلاتی است که به استناد قانون نحوه فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی، در محدوده جغرافیایی سراسر کشور برای مدت نامحدود تشکیل می‌شود.

تبصره ۱: نشانی مرکز اصلی حزب؛ تهران- خیابان جمهوری اسلامی- پلاک ۶۶۵۱ است.

تبصره ۲: حزب مطابق قوانین و ضوابط می‌تواند در خصوص تأسیس شعب استانی و دفاتر شهرستانی اقدام کند.

تبصره ۳: تأسیس شعبه و دفتر حزب در خارج از کشور ممنوع است.

● **ماده ۲:** حزب بر مبنای مرامنامه خود و با التزام به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و کلیه اصول مندرج در آن از جمله اصل ولایت مطلقه فقیه، در چارچوب این اساسنامه شکل می‌گیرد و فعالیت می‌کند.

تبصره: در صورت توقیف پروانه، حزب حق هیچگونه فعالیتی ندارد. بدیهی است پس از انتضاء یا رفع توقیف، حزب به فعالیت خود ادامه خواهد داد



فصل دوم: عضویت



● ماده ۳: شرایط عضویت در حزب به شرح زیر است:

۳-۱- داشتن تابعیت ایرانی و حداقل سن ۱۸ سال تمام

۳-۲- مسلمان بودن و عمل به فرائض دینی

۳-۳- التزام عملی به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و کلیه اصول مندرج در آن از جمله اصل ولایت مطلقه فقیه

۳-۴- التزام عملی به مرامنامه و اساسنامه حزب

۳-۵- التزام به همکاری با حزب در چارچوب آئین‌نامه‌ها و تصمیمات ارکان و نهادهای حزب

۳-۶- تکمیل فرم تقاضای عضویت و تعهد به پرداخت حق عضویت

۳-۷- عدم عضویت در سایر گروه‌های سیاسی به استثنای عضویت غیر موثر در گروه‌های مورد تأیید حزب که دارای وجه صنفی هستند.

۳-۸- عدم سوء پیشینه کیفری موثر

۳-۹- عدم انطباق با اوصاف مقرر در ماده ۵ قانونی احزاب

تبصره ۱: مراحل تشکیلاتی و نحوه بررسی صلاحیت افراد متقاضی عضویت در حزب و همچنین نهاد حزبی تصمیم گیرنده در این خصوص را آئین‌نامه مربوط مشخص می‌کند.

تبصره ۲: اعضای هیأت موسس، شورای مرکزی و شورای بازرسی (داوری) و همچنین دبیرکل و مسئولان شعب (حوزه‌های) حزب، عضو موثر به حساب می‌آیند و از

عضویت مؤثر در احزاب دیگر ممنوع هستند. سایر اعضای حزب عضو عادی محسوب می‌شوند.

✱ ماده ۴: خاتمه عضویت در حزب به شرح زیر رخ می‌دهد:

۴-۱- استعفا

۴-۲- فوت

۴-۳- لغو عضویت توسط نهاد حزبی دارای صلاحیت به دلیل از دست دادن یکی از شروط عضویت

۴-۴- انحلال حزب

تبصره: مراحل تشکیلاتی و نحوه بررسی لغو عضویت از حزب را آئین‌نامه مربوط مشخص می‌کند.

فصل سوم: ارکان و تشکیلات



✱ ماده ۵: ارکان حزب عبارتند از:

هیئت موسس، مجمع عمومی (کنگره)، شورای مرکزی، شورای بازرسی (داوری)، دبیرکل و مسئولان شعب (حوزه‌های) استانی

✱ ماده ۶: هیئت موسس متشکل از اشخاص حقیقی است که وظایف مربوط به تأسیس و اخذ پروانه فعالیت حزب را بر عهده دارد.

✱ ماده ۷: مجمع عمومی (کنگره) عالی‌ترین رکن و بالاترین مرجع تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری حزب است که هر سال با شرکت اعضای حزب تشکیل می‌شود.

تبصره ۱: مجمع عمومی (کنگره) با حضور دو سوم اعضای آن رسمیت می‌یابد و چنانچه به حد نصاب نرسد، حداکثر یک ماه بعد، با حضور اکثریت مطلق اعضای مجمع عمومی (کنگره) رسمیت خواهد یافت. در صورتی که مجمع عمومی (کنگره) برای مرتبه دوم نیز به رسمیت نرسد، حداکثر یک ماه بعد، با هر تعداد عضو حاضر، رسمی خواهد بود.

تبصره ۲: در موارد ضروری، با تشخیص و تصویب دو سوم آرای موافق شورای مرکزی، یا پیشنهاد یک سوم اعضای حزب به شورای مرکزی، مجمع عمومی (کنگره) به صورت فوق‌العاده، حداکثر ۴۵ روز، حسب مورد، پس از تصویب یا وصول پیشنهاد، تشکیل می‌شود.

تبصره ۳: مصوبات مجمع عمومی (کنگره) با رای موافق اکثریت مطلق اعضای حاضر آن، معتبر است، مگر در مواردی که در اساسنامه، نصاب دیگری تعیین شده باشد.

تبصره ۴: پس از برگزاری اولین مجمع عمومی (کنگره)، برگزاری کنگره‌های بعدی برعهده شورای مرکزی است.

تبصره ۵: پس از مجمع عمومی (کنگره) اول که کلیه افراد متقاضی عضویت و تأیید شده از جانب هیأت موسس در آن عضویت دارند، سایر کنگره‌ها با حضور تعدادی از اعضای حزب برگزار خواهد شد. تعداد اعضای شرکت کننده و چگونگی انتخاب آنان را آئین‌نامه مربوط تعیین خواهد کرد. این تعداد نباید از ۳۰۰ نفر کمتر باشد.

تبصره ۶: به منظور حضور نماینده کمیسیون احزاب در



مجمع عمومی (کنگره)، مراتب حداقل دو هفته قبل به اطلاع کمیسیون احزاب می‌رسد. عدم حضور نماینده کمیسیون مانع از برگزاری مجمع عمومی (کنگره) نخواهد بود.

❖ ماده ۸: وظایف و اختیارات مجمع عمومی (کنگره) به شرح زیر است:

۸-۱- تصویب نهایی مرامنامه و اساسنامه و تغییرات بعدی آن با آرای موافق دو سوم اعضای حاضر مجمع عمومی (کنگره)، در دوره اول به پیشنهاد هیأت موسس و در دوره‌های بعدی به پیشنهاد شورای مرکزی و با ۳۰ نفر از اعضای مجمع عمومی (کنگره).

۸-۲- انتخاب اعضای هیئت رئیسه دائم هر دوره مجمع عمومی (کنگره).

۸-۳- تصویب نهایی آئین‌نامه نحوه تشکیل و اداره مجمع عمومی (کنگره)، به غیر از دوره اول، و تغییرات بعدی آن.

۸-۴- استماع گزارش عملکرد سالانه شورای مرکزی و شورای بازرسی (داوری) و بررسی آن‌ها.

۸-۵- انتخاب، پذیرش استعفا، استیضاح و برکناری اعضای شورای مرکزی و شورای بازرسی (داوری).

۸-۶- تصویب نهایی جهت‌گیری‌ها و برنامه‌های کلان سیاسی و اجرایی یک ساله حزب.

۸-۷- اتخاذ تصمیم در مورد تخلفات شورای بازرسی (داوری) و اعضای آن.



۸-۸- تصویب نهایی بیانیه پایانی مجمع عمومی (کنگره) حزب.

۸-۹- تصویب انحلال حزب با آراء دو سوم کل اعضای مجمع عمومی (کنگره) و انتخاب هیئت تصفیه.
تبصره: صورتجلسات مجمع عمومی (کنگره) به همراه مرامنامه و اساسنامه مصوب و تغییرات بعدی آن و همچنین فهرست اعضای منتخب شورای مرکزی، به کمیسیون احزاب ارسال می‌شود.

● ماده ۹: شورای مرکزی عالی‌ترین رکن حزب پس از مجمع عمومی (کنگره) است. این شورا مرکب از ۱۵ عضو اصلی و ۵ عضو علی‌البدل است که توسط مجمع عمومی (کنگره) و از میان اعضای حزب که عضو موثر سایر احزاب نباشند برای مدت دو سال انتخاب می‌شود.

تبصره ۱: شورای مرکزی هر دوره با انتخاب حداقل ۱۰ عضو رسمیت می‌یابد و انتخاب کسری اعضای آن، در مجمع عمومی (کنگره) فوق‌العاده یا عادی بعدی انجام می‌شود.

تبصره ۲: تا رسمیت یافتن شورای مرکزی جدید، شورای مرکزی قبلی معتبر بوده و به کار خود ادامه خواهد داد.
تبصره ۳: مدت دوره شورا در هر صورت با تشکیل مجمع عمومی (کنگره) عادی دو سال بعد و رسمیت یافتن شورای مرکزی جدید، به پایان می‌رسد.

تبصره ۴: انتخاب مجدد اعضای شورا برای دوره‌های بعدی

بلامانع است.

تبصره ۵: اعضای علی‌البدل موظفند بدون حق رأی در جلسات شورا شرکت کنند و در صورت عدم حضور تعدادی از اعضای اصلی در جلسه، به همان تعداد، از اعضای علی‌البدل حاضر در جلسه، به ترتیب کسب رأی بیشتر در مجمع عمومی (کنگره) و تا زمان حضور یافتن اعضای اصلی، دارای حق رأی خواهند بود.

تبصره ۶: جلسات شورای مرکزی با حضور ۱۰ عضو رسمیت می‌یابد و مصوبات با رأی موافق حداقل ۸ نفر، معتبر است.

تبصره ۷: در صورتی که شورای مرکزی پس از به رسمیت رسیدن، به دلیل پذیرش استعفاء، برکناری، لغو عضویت، فوت و یا غیبت به دلایل خارج از اختیار بقیه اعضا، از رسمیت خارج شود، وظایف آن بطور موقت به عهده شورای مرکزی موقت، مرکب از باقی مانده اعضای شورای مرکزی و اعضای شورای بازرسی (داوری) خواهد بود. نحوه تشکیل و اداره جلسات شورای مرکزی موقت را آئین‌نامه مربوط معین می‌کند.

تبصره ۸: در صورتی که کمیسیون احزاب، عضویت فرد یا افرادی از اعضای شورای مرکزی را مغایر قانون تشخیص داده و مراتب را رسماً به حزب ابلاغ کند، عضویت فرد یا افراد مذکور در شورای مرکزی از تاریخ دریافت ابلاغ رسمی، لغو می‌شود.



● ماده ۱۰: وظایف و اختیارات شورای مرکزی به شرح

زیر است:

۱۰-۱- انتخاب دبیرکل حزب از میان اعضای اصلی شورا در آغاز هر دوره و تصمیم‌گیری در مورد تغییرات بعدی آن

۱۰-۲- انتخاب قائم مقام دبیرکل از میان اعضای شورای مرکزی به پیشنهاد دبیرکل، در آغاز هر دوره و تصمیم‌گیری در مورد تغییرات بعدی آن.

۱۰-۳- انتخاب رئیس و حداقل سه عضو اصلی دیگر دفتر سیاسی از میان اعضای خود و سایر اعضای آن دفتر از میان اعضای حزب در آغاز هر دوره و تصمیم‌گیری در مورد تغییرات بعدی آن‌ها.

۱۰-۴- انتخاب رئیس دفتر طرح و برنامه از میان اعضای حزب به پیشنهاد دبیرکل، در آغاز هر دوره و تصمیم‌گیری در مورد تغییرات بعدی آن.

۱۰-۵- انتخاب رئیس هیات اجرایی از میان اعضای حزب به پیشنهاد دبیرکل، در آغاز هر دوره و تصمیم‌گیری در مورد تغییرات بعدی آن.

۱۰-۶- انتخاب خزانه‌دار از میان اعضای حزب به پیشنهاد دبیرکل، در آغاز هر دوره و تصمیم‌گیری در مورد تغییرات بعدی آن.

۱۰-۷- انتخاب مسئولان کمیسیون‌های دفتر طرح و برنامه از میان اعضای حزب در آغاز هر دوره و تصمیم‌گیری در مورد تغییرات بعدی آن‌ها به پیشنهاد رئیس آن دفتر.

۱۰-۸- انتخاب مسئولان کمیته‌های حزب در مرکز از میان اعضای حزب در آغاز هر دوره و تصمیم‌گیری در مورد تغییرات بعدی آن‌ها به پیشنهاد رئیس هیات اجرائی.

۱۰-۹- تصویب نهایی ایجاد و انتشار رسانه‌های حزب به پیشنهاد دفتر سیاسی و انتخاب مدیر مسئول هر یک از آنها جهت معرفی به مراجع قانونی مربوط برای اخذ پروانه‌های لازم.

۱۰-۱۰- تفسیر مرامنامه، اساسنامه و مصوبات مجمع عمومی (کنگره).

۱۰-۱۱- ارائه پیشنهاد تغییرات مرامنامه، اساسنامه و آئین‌نامه نحوه تشکیل و اداره مجمع عمومی (کنگره) حزب به مجمع عمومی (کنگره).

۱۰-۱۲- برگزاری مجامع عمومی (کنگره‌های) حزب.

۱۰-۱۳- تصویب مقدماتی برنامه‌های سیاسی و اجرایی یک ساله حزب، به پیشنهاد دفتر سیاسی و هیأت اجرایی، حسب مورد، و ارائه آن به مجمع عمومی (کنگره).

۱۰-۱۴- تصویب مقدماتی بیانیه پایانی مجمع عمومی (کنگره) به پیشنهاد دفاتر سیاسی و دفتر طرح و برنامه و ارائه آن به مجمع عمومی (کنگره).

۱۰-۱۵- ارائه گزارش عملکرد سالانه به مجمع عمومی (کنگره).

۱۰-۱۶- پیگیری مصوبات مجمع عمومی (کنگره) و نظارت بر حسن اجرای آنها.



۱۰-۱۷- تصویب نهایی آئین‌نامه‌های داخلی حزب به غیر از آئین‌نامه نحوه تشکیل و اداره مجمع عمومی (کنگره) و آئین‌نامه‌های مربوط به حوزه کاری شورای بازرسی (داوری).
۱۰-۱۸- تصویب تشکیل و انحلال حوزه‌های حزب در استان‌ها و انتخاب و تغییر مسئول آن‌ها.
۱۰-۱۹- تصویب نهایی لغو عضویت اعضای حزب به پیشنهاد شورای دآوری و بازرسی به استثناء اعضای شورای مرکزی و بازرسی (داوری).
۱۰-۲۰- تصویب نهایی بودجه سالانه و درآمدهای مالی و صورت هزینه‌های سالانه حزب به پیشنهاد هیات اجرایی.
۱۰-۲۱- تصویب عضویت حزب در مجامع، جبهه‌ها و ائتلاف‌های سیاسی کشور و تعیین نمایندگان حزب در آنها به پیشنهاد دفتر سیاسی.
۱۰-۲۲- تصویب نهایی سیاست‌ها و نامزدهای انتخاباتی حزب به پیشنهاد دفتر سیاسی.
۱۰-۲۳- تصویب نهایی طرح‌ها و برنامه‌های پیشنهادی حزب برای اداره بهتر کشور به پیشنهاد دفتر سیاسی و طرح و برنامه.
۱۰-۲۴- تصویب تشکیل نهادهای ستادی حزب برای انجام مأموریت‌های خاص و فرابخشی.
۱۰-۲۵- انجام وظایف محوله از جانب مجمع عمومی (کنگره) و آیین‌نامه‌های مصوب حزب.
● ماده ۱۱: شورای بازرسی (داوری) رکن بازرسی و دآوری

داخلی حزب است که مرکب از ۵ عضو اصلی و ۲ عضو علی‌البدل بوده و از میان اعضای حزب برای مدت دو سال انتخاب می‌شود.

تبصره ۱: اعضای شورای بازرسی (داوری) نمی‌توانند عضو شورای مرکزی باشند.

تبصره ۲: شورای بازرسی (داوری) هر دوره با انتخاب حداقل سه عضو شکل می‌گیرد و انتخاب کسری اعضای آن، در مجمع عمومی (کنگره) فوق‌العاده یا عادی بعدی انجام می‌شود.

تبصره ۳: تا رسمیت یافتن شورای بازرسی (داوری) هر دوره، شورای قبلی معتبر بوده و به کار خود ادامه خواهد داد.

تبصره ۴: مدت دوره شورا در هر صورت با تشکیل مجمع عمومی (کنگره) عادی دو سال بعد و رسمیت یافتن شورای بازرسی (داوری) جدید، به پایان می‌رسد.

تبصره ۵: انتخاب مجدد افراد برای دوره‌های بعدی بلامانع است.

تبصره ۶: اعضای علی‌البدل موظفند بدون حق رأی در جلسات شورا شرکت کنند و در صورت عدم حضور تعدادی از اعضای اصلی در جلسه، به همان تعداد، از اعضای علی‌البدل حاضر در جلسه، به ترتیب کسب رأی بیشتر در مجمع عمومی (کنگره) و تا زمان حضور یافتن اعضای اصلی، دارای حق رأی خواهند بود.



تبصره ۷: جلسات شورای بازرسی (داوری) با حضور سه عضو رسمیت می‌یابد و مصوبات جلسه با رأی موافق حداقل سه نفر معتبر است.

● **ماده ۱۲: وظایف و اختیارات شورای بازرسی (داوری) به شرح زیر است:**

۱-۱۲- دریافت شکایات و گزارش‌های مربوط به تخلفات اعضای حزب.

۲-۱۲- تحقیق و بررسی درخصوص شکایات و گزارش‌های دریافتی، صدور رأی و تعیین مجازات تشکیلاتی متناسب براساس آئین‌نامه‌های مربوط.

۳-۱۲- تهیه پیش نویس آئین‌نامه تخلفات اعضای حزب، شامل تعیین نوع تخلف و میزان مجازات و همچنین آئین‌نامه نحوه رسیدگی به تخلفات اعضا و چگونگی اجرایی شدن آرا صادره.

۴-۱۲- تهیه پیش نویس آئین‌نامه‌های داخلی نحوه تشکیل و اداره جلسات شورای بازرسی (داوری) و همچنین تشکیلات، شرح وظایف و محدوده اختیارات کمیسیون‌های تشکیل شده از سوی آن شورا.

۵-۱۲- ارائه گزارش عملکرد سالانه به مجمع عمومی (کنگره).

۶-۱۲- انتخاب رییس شورا از میان اعضای اصلی خود.

۷-۱۲- انجام وظایف محوله از جانب مجمع عمومی (کنگره) و آئین‌نامه‌های مصوب حزب.

تبصره ۱: مرجع تصمیم گیری در مورد تخلفات شورای بازرسی (داوری) و اعضای آن، مجمع عمومی (کنگره) حزب است.

تبصره ۲: کلیه آیین نامه های مربوط به شورای بازرسی (داوری)، پس از تهیه به وسیله آن شورا، به تصویب جلسه مشترک شورای مرکزی و شورای بازرسی (داوری) می رسد. **ماده ۱۳:** دبیرکل عالی ترین مقام حزب است که از میان اعضای اصلی شورای مرکزی، توسط آن شورا انتخاب می شود و وظایف زیر را به عهده دارد:

- ۱-۱۳- اداره جلسات شورای مرکزی.
- ۲-۱۳- عضویت در دفتر سیاسی و دفتر طرح و برنامه.
- ۳-۱۳- ابلاغ مصوبات مجمع عمومی (کنگره) و شورای مرکزی و آراء شورای بازرسی (داوری) به ارکان حزب.
- ۴-۱۳- امضای احکام منتخبان مجمع عمومی (کنگره)، شورای مرکزی و رئیس شورای بازرسی (داوری).
- ۵-۱۳- پیشنهاد روسای دفتر طرح و برنامه و هیأت اجرایی و خزانه دار از میان اعضای حزب و قائم مقام دبیرکل از میان اعضای شورای مرکزی به آن شورا.
- ۶-۱۳- امضای کلیه اسناد بهادار و مالی حزب.
- ۷-۱۳- انتشار و اعلام مواضع رسمی حزب.
- ۸-۱۳- امضای مکاتبات رسمی حزب با نهادهای خارج از حزب.
- ۹-۱۳- اقامه دعوی از طرف حزب و جوابگویی به دعاوی

اشخاص حقیقی و حقوقی علیه حزب در کلیه مراجع قضایی و حل و فصل دعاوی از طریق سازش یا انتخاب و کیل.

۱۳-۱۰- ارسال آمار، اسناد و گزارش‌هایی که حزب طبق قانون موظف به ارائه آن به وزارت کشور است.

۱۳-۱۱- پاسخگویی نسبت به کلیه تصمیمات، اقدامات و عملکرد حزب.

تبصره ۱: دبیرکل پس از انتخاب به کمیسیون احزاب معرفی می‌شود.

تبصره ۲: قائم مقام دبیرکل در غیاب و یا بنابر درخواست دبیرکل، تمام و یا قسمتی از وظایف وی را برعهده دارد.

• **ماده ۱۴:** دفتر سیاسی مرکب است از دبیر کل به عنوان عضو اصلی و همچنین ۱۰ عضو اصلی دیگر و ۴ عضو علی‌البدل که توسط شورای مرکزی انتخاب می‌شوند.

تبصره: دفتر سیاسی می‌تواند تعدادی از افراد صاحب نظر را به عنوان مشاور انتخاب و به جلسات دعوت کند.

• **ماده ۱۵:** وظایف و اختیارات دفتر سیاسی به شرح زیر است:

۱۵-۱- تصویب نهایی مواضع سیاسی حزب با صدور بیانیه‌ها، اطلاعیه‌ها، نامه‌ها، برگزاری مصاحبه‌ها و تهیه کتب، جزوه‌ها و نظایر آن در چارچوب مرامنامه و جهت‌گیری‌ها و برنامه‌های کلان سیاسی سالانه مصوب مجمع عمومی (کنگره).

۱۵-۲- تصویب مواضع حزب در قبال جناح‌های فکری و سیاسی، احزاب، جمعیت‌ها و شخصیت‌ها، در چارچوب مرامنامه و جهت‌گیری‌ها و برنامه‌های کلان سیاسی سالانه مصوب مجمع عمومی (کنگره).

۱۵-۳- پیشنهاد عضویت حزب در مجامع، جبهه‌ها و ائتلاف‌های سیاسی کشوری و پیشنهاد نمایندگان حزب در آن‌ها به شورای مرکزی.

۱۵-۴- تهیه برنامه‌های مناسب برای اداره کشور در حوزه‌های مختلف سیاسی جهت ارائه به شورای مرکزی.

۱۵-۵- تهیه برنامه حزب در انتخابات مختلف در حوزه‌های مختلف سیاسی جهت ارائه به شورای مرکزی.

۱۵-۶- پیشنهاد نامزدهای انتخاباتی حزب به شورای مرکزی.

۱۵-۷- تصویب متون آموزشی حزب.

۱۵-۸- تهیه و تنظیم بخش‌های مربوط از پیش نویس بیانیه پایانی مجامع عمومی (کنگره‌ها) جهت ارائه به شورای مرکزی.

۱۵-۹- تصویب مقدماتی ایجاد و انتشار رسانه‌های حزب جهت ارائه به شورای مرکزی و تصویب نهایی انتخاب سردبیر و اعضای تحریریه هر یک از آن‌ها.

۱۵-۱۰- تهیه پیش نویس آئین‌نامه‌های داخلی نحوه تشکیل و اداره جلسات دفتر سیاسی و همچنین ساختار، شرح وظایف و محدوده اختیارات کمیسیون‌های تشکیل



شده از سوی دفتر سیاسی و ارائه آنها به شورای مرکزی. ۱۱-۱۵- تهیه و ارائه گزارش‌های سالانه از عملکرد دستگاه‌های اجرایی مربوط به حوزه سیاسی کشور و گزارش‌های مستمر از عملکرد خود به شورای مرکزی در چارچوب قانون.

۱۲-۱۵- تهیه و ارائه گزارش‌های مستمر از عملکرد خود به شورای مرکزی.

۱۳-۱۵- انجام وظایف محوله از جانب شورای مرکزی و آیین‌نامه‌های مصوب حزب.

● ماده ۱۶: دفتر طرح و برنامه مرکب است از دبیرکل و رئیس دفتر مذکور و مسئولان کمیسیون‌های مربوط که توسط شورای مرکزی انتخاب می‌شوند.

● ماده ۱۷: کمیسیون‌های دفتر طرح و برنامه عبارتند از:

۱-۱۷- فرهنگی

۲-۱۷- اجتماعی

۳-۱۷- علمی و آموزشی

۴-۱۷- محیط زیست

۵-۱۷- اقتصاد کلان

۶-۱۷- امور زیربنایی

۷-۱۷- امور حقوقی و قضایی

• ماده ۱۸: وظایف و اختیارات دفتر طرح و برنامه به شرح زیر است:

۱-۱۸- تهیه برنامه‌های مناسب برای اداره کشور در بخش‌های مختلف حیطة عناوین کمیسیون‌های خود جهت ارائه به شورای مرکزی.

۲-۱۸- تهیه برنامه حزب در انتخابات مختلف در حیطة عناوین کمیسیون‌های مربوط جهت ارائه به شورای مرکزی.

۳-۱۸- بررسی برنامه و عملکرد کلان دستگاه‌های اجرایی کشور در حیطة عناوین کمیسیون‌های مربوط و تهیه گزارش‌های سالانه از آن، جهت ارائه به شورای مرکزی.

۴-۱۸- انتخاب اعضای کمیسیون‌های مربوط، به پیشنهاد مسئول کمیسیون ذی‌ربط.

۵-۱۸- تهیه پیش نویس آئین‌نامه‌های داخلی نحوه تشکیل و اداره جلسات دفتر طرح و برنامه و همچنین ساختار، شرح وظایف و محدوده اختیارات کمیسیون‌های مربوط، برای ارائه به شورای مرکزی.

۶-۱۸- انجام وظایف محوله از جانب شورای مرکزی و آیین‌نامه‌های مصوب حزب.

• ماده ۱۹: هیأت اجرایی متشکل از رئیس هیأت و مسئولان کمیته‌های حزب در مرکز است که توسط شورای مرکزی انتخاب می‌شوند.

تبصره: انتخاب مسئولان کمیته‌های حزب در مرکز، به پیشنهاد رئیس هیأت اجرایی و تصویب نهایی شورای

مرکزی انجام می‌شود.

● ماده ۲۰: وظایف و اختیارات هیأت اجرایی به شرح

زیر است:

۱-۲۰- تهیه و تنظیم پیش نویس برنامه‌های کلان اجرایی یک ساله حزب، جهت ارائه به شورای مرکزی.

۲-۲۰- راه‌اندازی کمیته‌های حزب در مرکز، پس از تصویب نهایی آیین‌نامه‌های مربوط.

۳-۲۰- انتخاب و تغییر اعضای شورای کمیته‌های حزب در مرکز، به پیشنهاد مسئول کمیته ذی‌ربط.

۴-۲۰- تصویب نهایی برنامه سالانه کمیته‌ها.

۵-۲۰- تهیه، تنظیم و تصویب مقدماتی بودجه سالانه حزب جهت ارائه به شورای مرکزی و نظارت بر حسن اجرای آن پس از تصویب نهایی و ابلاغ برای اجرا.

۶-۲۰- ایجاد هماهنگی در کلیه امور اجرایی حزب و نظارت و ارزیابی نسبت به عملکرد کمیته‌های مربوط.

۷-۲۰- تصویب مقدماتی آیین‌نامه‌های مربوط به کمیته‌های حزب در مرکز و حوزه‌ها، واحدها و کانون‌ها.

۸-۲۰- تصویب نهایی دستورالعمل‌ها، گردش کارها و فرم‌های مورد نیاز حزب.

۹-۲۰- تصویب مقدماتی تشکیل یا انحلال حوزه‌ها و انتخاب و تغییر مسئولان آن‌ها جهت ارائه به شورای

مرکزی برای تصویب نهایی.

۱۰-۲۰- تصویب نهایی تشکیل یا انحلال واحدها.

۲۰-۱۱- انتخاب یا تغییر اعضای شورای حوزه ها و مسئولین واحدها.

۲۰-۱۲- انجام وظایف محوله از جانب شورای مرکزی از طریق کمیته‌های ذی‌ربط و نظارت بر حسن اجرای آن‌ها.
۲۰-۱۳- ارائه گزارش مستمر فعالیت‌های اجرایی حزب به شورای مرکزی.

۲۰-۱۴- تهیه پیش نویس آیین‌نامه‌های داخلی نحوه تشکیل و اداره جلسات هیأت اجرایی و همچنین ساختار، شرح وظایف و محدوده اختیارات کمیسیون‌های تشکیل شده از سوی آن هیأت جهت ارائه به شورای مرکزی.

● **ماده ۲۱:** کمیسیون، نهادی از حزب است که از چند عضو حزب و صاحب‌نظران غیر عضو توسط مجمع عمومی (کنگره) یا شورای مرکزی یا شورای بازرسی (داوری) یا دفتر سیاسی یا دفتر طرح و برنامه و یا هیأت اجرایی در مرکز و توسط حوزه‌ها در استان، برای انجام مأموریتی خاص تشکیل می‌شود.

● **ماده ۲۲:** کمیته، یکی از نهادهای حزب است که مسئولیت انجام فعالیت‌های اجرایی- تخصصی در مرکز و حوزه‌ها را برعهده دارد.

تبصره: کمیته‌ها در مرکز زیر نظر هیأت اجرایی و در حوزه‌ها زیر نظر شورای حوزه فعالیت می‌کنند.

● **ماده ۲۳:** کمیته‌های حزب در مرکز عبارتند از:

۲۳-۱- کمیته منابع انسانی

۲۳-۲- کمیته اقشار

۲۳-۳- کمیته آموزش

۲۳-۴- کمیته اطلاع رسانی

۲۳-۵- کمیته پشتیبانی و مالی

۲۳-۶- کمیته استان‌ها

تبصره: ساختار، شرح وظایف و محدوده اختیارات کمیته‌ها را آیین‌نامه مربوط مشخص خواهد کرد.

● **ماده ۲۴:** حوزه، نهادی از حزب است که در استان‌های کشور تشکیل شده و نمایندگی حزب در استان مربوط را برعهده دارد.

تبصره ۱: ساختار، شرح وظایف و محدوده اختیارات حوزه‌ها را آیین‌نامه مربوط مشخص خواهد کرد.

تبصره ۲: تشکیل حوزه به اطلاع استانداری مربوط خواهد رسید.

● **ماده ۲۵:** واحد، نهادی از حزب است که در شهرستانهای کشور زیر نظر حوزه استان مربوط تشکیل می‌شود و نمایندگی حزب را در آن شهرستان برعهده دارد.

تبصره ۱: ساختار، شرح وظایف و محدوده اختیارات واحد‌ها را آیین‌نامه مربوط مشخص خواهد کرد.

تبصره ۲: تشکیل واحد به اطلاع فرمانداری مربوط خواهد رسید.

● **ماده ۲۶:** کانون، نهادی از حزب است که در بخش‌ها و محله‌های شهرهای بزرگ، زیر نظر حوزه یا واحد مربوط

تشکیل می شود.

تبصره: ساختار، شرح وظایف و محدوده اختیارات کانون ها را آیین نامه مربوط مشخص خواهد کرد.

● **ماده ۲۷:** تشکیل و رسمیت یافتن کلیه ارکان و نهادهای حزب به استثناء مجمع عمومی (کنگره)، شورای مرکزی، شورای بازرسی (داوری)، دفاتر سیاسی و طرح و برنامه و هیات اجرایی، منوط به تصویب نهایی آیین نامه های رکن یا نهاد ذیربط خواهد بود.

● **ماده ۲۸:** کلیه ارکان، نهادها و اعضای حزب در محدوده وظایف و اختیارات، در قبال عملکرد خود، در برابر ارکان و نهادهای حزبی بالادست و همچنین در قبال عملکرد خارج از چارچوب مواضع حزب، در برابر مراجع قانونی صالح، مسئول و پاسخگو هستند.

فصل چهارم: منابع مالی و درآمدی



● **ماده ۲۹:** درآمد حزب از محل دریافت حق عضویت اعضا، کمک ها و هدایای مردمی اشخاص ایرانی و کمک ها و یارانه های دولتی و همچنین وجوه حاصل از فعالیت های قانونی انجام شده در چارچوب موضوع فعالیت و اهداف حزب حاصل می شود.

تبصره: حزب هیچگونه فعالیت تجاری نخواهد داشت و دریافت هرگونه کمک مالی خارجی توسط حزب ممنوع است.

● **ماده ۳۰:** درآمدها و هزینه‌های حزب در دفاتر قانونی ثبت و شرح و بیلان آن در پایان هر سال مالی جهت بررسی به کمیسیون احزاب ارائه می‌شود.

● **ماده ۳۱:** کلیه اسناد بهادار و مالی حزب توسط دبیرکل و خزانه دار حزب امضاء می‌شود.

فصل پنجم: انحلال و تصفیه اموال

● **ماده ۳۲:** انحلال حزب با آراء دو سوم کل اعضای مجمع عمومی (کنگره) و یا براساس تصمیم و ابلاغ قانونی آرای مرجع صالح قضایی صورت می‌گیرد.

تبصره: در صورت انحلال حزب از سوی مجمع عمومی (کنگره)، مراتب توسط دبیرکل به وزارت کشور اعلام می‌شود.

● **ماده ۳۳:** در صورت انحلال حزب، هیأت تصفیه از طرف مجمع عمومی (کنگره)، زیر نظر دادگاه محل استقرار دفتر مرکزی حزب، با رعایت حقوق دولت، نسبت به تعیین تکلیف مایملک حزب اقدام می‌کند.

تبصره: ترکیب، چگونگی انتخاب و نحوه عمل هیأت تصفیه را آیین‌نامه مربوط مشخص می‌کند.

این اساسنامه در ۵ فصل، ۳۳ ماده و ۴۵ تبصره، در تاریخ ۱۳۹۶/۲/۷ به تصویب اولین مجمع عمومی (کنگره) حزب رسید.



بیانیه اعلام موجودیت

حزب توسعه ملی ایران اسلام

وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ
وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ
قرآن کریم، سوره آل عمران، آیه ۱۰۴

«حزب» یکی از نهادهای سیاسی و اجتماعی مدرن جوامع بشری است که پیدایش آن، وام‌دار گذار به دموکراسی و پیدایش انتخابات است و احزاب سیاسی در اروپای قرن نوزدهم، هماهنگ با شکل‌گیری نهادهای دموکراتیک، به ویژه مجالس مقننه، به وجود آمدند.

حزب را ستون فقرات دموکراسی تعبیر کرده‌اند، زیرا اگر مردم بخواهند در تعیین سرنوشت خود، صاحب رأی و نظر موثر باشند و در حاکمیت مشارکت کنند، آسان‌ترین و سریع‌ترین راه، سازمان‌یابی در تشکلهای مدنی و خصوصاً احزاب سیاسی بر مبنای افکار مشترک و اهداف معین است. احزاب کارکردهای متفاوت و فراوانی دارند که شاید مهمترین آنها را بتوان «تهیه برنامه‌های جامع و ایجاد تیم هماهنگ برای اداره جامعه»، «ایجاد ارتباط دوسویه بین مردم و زمامداران»، «آموزش مشارکت سیاسی به شهروندان» و «فراهم‌سازی زمینه انتقال مسالمت‌آمیز و قانونمند قدرت» دانست.

در ایران نیز با پیروزی نهضت مشروطیت در سال ۱۲۸۵ ه.ش و تشکیل مجلس قانونگذاری و ایجاد نظام حقوقی منظم و کلاسیک، تشکیل احزاب، از جمله حقوق بنیادینی

بود که یک سال بعد در سیر قانونگذاری مجلس اول، برای شهروندان ایرانی به شکلی مجمل در متمم قانون اساسی به رسمیت شناخته شد. اما روند تشکیل نخستین احزاب رسمی کشور عملاً تا پس از گذشت دوره استبداد صغیر و تشکیل مجلس دوم مشروطیت در سال ۱۲۸۸ ه.ش به درازا کشید. پس از آن تا انقراض سلسله قاجاریه، احزاب کشور دوره طفولیت خود را با فراز و فرودهایی ناشی از شرایط متلاطم جامعه طی می کردند و چندان منشأ اثر نبودند. با آغاز سلطنت سلسله پهلوی و در دوره بیش از نیم قرن حیات آن، بجز مقاطع اندک و کوتاهی که آن هم به واسطه وقوع برخی تحولات داخلی و یا جهانی از اقتدار حکومت مرکزی کاسته شد و احزاب مستقل و ملی مجالی برای فعالیت پیدا کردند، در سایر زمانها، از فرآیند تحزب و شکل گیری نظام حزبی واقعی ممانعت بعمل آمد که نقطه عطف آن را می توان در دستور انحلال کلیه احزاب کشور و تشکیل حزب واحد در سال ۱۳۵۳ مشاهده کرد. این روندی بود که منجر به شکل گیری گروههای چریکی زیرزمینی شد که با هدف براندازی نظام مستقر به مبارزه قهرآمیز همت گماشتند.

با پیروزی انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷، به رهبری بی بدیل امام خمینی (ره)، براساس مشارکت همه جانبه ملت و با هدف تأسیس نظامی تأمین کننده «استقلال»، «آزادی» و «توسعه و پیشرفت» کشور، نظام «جمهوری اسلامی»

براساس خواست، اراده و «رأی مثبت» ملت شکل گرفت. نظامی که قانون اساسی آن، تصریح می کند که خداوند «انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است. هیچ کس نمی تواند این حق الهی را از انسان سلب کند یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد». لذا «امور کشور باید به اتکاء آرای عمومی اداره شود». از این رو «دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه ای است همگانی و متقابل برعهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت».

بدیهی است این اهداف، بدون سازماندهی آحاد مردم در قالب احزاب و نهادهای صنفی و مدنی امکان پذیر نیست لذا در چنین نظامی، جایگاه و نقش نهاد «حزب»، غیرقابل چشم پوشی است. از این روی «احزاب ... آزادند، مشروط به این که اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند». همچنین «هیچکس را نمی توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در آنها مجبور ساخت».

علی رغم این رویکرد شفاف قانون موسس، برخی کاستی های ساختاری همچون عدم پیوستگی «نظام انتخاباتی» با «نظام حزبی»، از اثرگذاری واقعی احزاب در کشور کاسته است. همچنین اعمال برخی سلايق فراقانونی در طول حیات ۴۰ ساله نظام جمهوری اسلامی ایران، فرآیند تحزب را با فراز و فرودهایی همراه کرده است. از



آزادی مطلق و فاقد هرگونه نظم و چارچوب در سالهای نخستین پیروزی انقلاب، تا تضعیف کامل و نفی مطلق و ضد ارزش خوانده شدن آن از جانب برخی کانون‌های قدرت در سالهای بعد. از احیای مجدد آن در آغاز دهه سوم، تا مواجهه قهرآمیز و انسدادی و انحلال غیرقانونی برخی احزاب موثر کشور در ابتدای دهه چهارم حیات نظام سیاسی مستقر. از رویکرد قانونی اجمالاً وفادار به قانون اساسی در تصویب قانون احزاب سال ۱۳۶۰، تا جهت‌گیری انقلابی و ناقض نگاه قانون موسس در وضع قانون سال ۱۳۹۴. با این همه، تلاش بی‌وقفه برای تعمیق و تثبیت «حزب» در کشور، به مثابه یکی از ابزارهای تثبیت و معنا یافتن «مردم‌سالاری» و «جمهوریت»، وظیفه مشترک همه کسانی است که دل در گرو توسعه و پیشرفت ایران و سربلندی و آسایش ملت دارند. این راهی است که علی‌رغم تمامی فراز و فرودها و مخاطرات و هزینه‌های آن، ناگزیر باید طی شود تا در افق آن، تحقق کامل «حاکمیت ملی» هویدا شود. چرا که تثبیت نهاد حزب و تعمیق حزب در کشور، تنها با امکان آزمون و خطای فعالین حزبی و نهایتاً تجمیع تجارب در این زمینه ممکن است. هرچند جریان امور در سالهای اخیر، امکان آن را سلب کرده باشد و کم‌تحملی‌ها و برخوردها، تلاش‌ها و تجارب ارزشمندی را در این زمینه ابتر گذاشته باشد. با همین باور عمیق نسبت به ضرورت پیشبرد اهداف و آرمان‌های ملت از رهگذر فعالیت



قانونی حزبی، موسسین حزب توسعه ملی ایران اسلامی که اکثریت آنان در گذشته، از فعالین احزاب سیاسی چپ اسلامی و اصلاح طلب کشور بوده‌اند و آفت عدم مجال تجمیع تجارب در این عرصه، امکان استمرار فعالیت حزبی را از آنها سلب کرد، با استفاده از تجارب گذشته، عزم خود را برای سازمانیابی مجدد جزم کردند.

براین اساس اینک حزب توسعه ملی ایران اسلامی پس از طی مراحل قانونی، آغاز فعالیت‌های رسمی خود را اعلام می‌کند و در طلیعه آن، در معرفی اهم اعتقادات و باورها، اهداف و راهبردهای کلان و همچنین اصول کلی خط مشی خود، اعلام می‌دارد:

ما دوستدار ایران و خواهان استقلال و اعتلای آنیم؛ ایران، وطن و مادر مشترک همه ایرانیان است. ایرانی بودن، فراگیرترین ویژگی تمامی شهروندان این کشور است و از این رو ایراندوستی یکی از موثرترین شاخص‌های ایجاد وحدت ملی است. ما به وطن عشق می‌ورزیم و این عشق را قسمتی از جوهره وجودی خود می‌دانیم و تلاش برای توسعه و پیشرفت ایران را هم حق و هم وظیفه خود و همه آحاد ملت می‌دانیم. همچنین ما با هرگونه تحرکی با منشأ داخلی یا خارجی که منجر به واگرایی و ایجاد تزلزل در استقلال کشور شود مخالفیم.

ما مسلمانیم؛ دین، هدایت الهی برای رستگاری و سعادت جاودان فردی و اجتماعی انسان است. دین اگر ماهیتی



فردی دارد، اما از آنجا که انسان دارای طبع و سرشتی اجتماعی است و رفع نیازهای او و در نتیجه رشد و کمال او جز در زیست اجتماعی محقق نمی‌شود، دین و به عبارت دقیق‌تر، دین جامع (اسلام) به حیات اجتماعی و جمعی انسان توجه و تأکید دارد. لذا ما مسلمانی را بخشی از هویت مشترک جمعی خود دانسته و آموزه‌های متعالی اسلام را راهبر و هدایت کننده فعالیت‌هایمان به حساب می‌آوریم. ما عدالت‌طلبیم؛ عدالت اجتماعی یعنی برابری در برخورداری از حقوق انسانی در تمامی سطوح اقتصادی، قضائی، سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و تلاش برای پر کردن شکاف‌های موجود. ما معتقدیم وظیفه حکومت در جامعه، نه برابری مکانیکی و اقدامات و دخالت‌های هیجانی، پوپولیستی و به ظاهر عدالت‌خواهانه که در عمل، به بی‌عدالتی بیشتر می‌انجامد، بلکه طراحی و مدیریت سازوکارها و فرایندهایی است که بدون نفی رقابت آزاد، به عدالت همه جانبه به مفهوم سابق‌الذکر بینجامد. در عین حال، بر این باوریم که این امر نافی وظیفه حکومت در تعریف استانداردهای زیست انسانی و کوشش و احساس وظیفه نسبت به تأمین آن برای تمامی آحاد جامعه و کاستن از تفاوت طبقاتی نیست. ما آزادی خواهیم؛ آزادی، گوهر حیات و شرط داشتن زندگی انسانی است و حتی اعتلای دینداری نیز در گرو وجود فضایی آزاد و خالی از اکراه و اجبار است. ما معتقدیم یک حکومت مردمسالار موظف به تأمین شرایط برای برخورداری

و استفاده شهروندان از حقوق و آزادی‌های مدنی و سیاسی خویش و توانمندسازی آنان برای استیفای این حقوق است. از آن جمله می‌توان به آزادی عقیده، آزادی بیان، آزادی انتخاب زمامداران، آزادی تعیین سبک زندگی و آزادی سازمان‌یابی اشاره کرد. ما از جمله مهمترین شاخص‌های وجود مردم‌سالاری در یک نظام سیاسی را، تأمین آزادی مخالف و منتقد و امکان استفاده ایشان از رسانه‌های جمعی و همچنین فراهم بودن سازو کارهای قانونی برای تبدیل شدن اقلیت به اکثریت می‌دانیم.

البته بدیهی است در زندگی اجتماعی، آزادی فردی انسان‌ها تخصیص می‌خورد و محدود می‌شود. اما آنچه مرز بین وجود و فقدان واقعی آزادی را در جوامع مختلف روشن می‌سازد، مبنا و معیار این اعمال محدودیت است. به گمان ما مبنای قابل قبول برای تعیین محدوده آزادی افراد در جامعه را صرفاً قوانینی می‌توانند مشخص کنند که از مجاری دموکراتیک وضع شده‌اند.

ما خواهان ترویج معنویت و اخلاقیم؛ رستگاری و سعادت انسان در گرو نیل به کمال معنوی و اخلاقی است. به همین سبب پیامبر اسلام(ص) هدف از رسالت خود را تمام مکارم اخلاق اعلام فرموده است. از این رو ما در عمل سیاسی، خود را مکلف به رعایت هنجارهای اخلاقی دانسته و معتقدیم امکان رشد و تعالی معنوی و اخلاقی نیز حقی در کنار سایر حقوق انسان است که می‌بایست محقق شود.



ما معنویت و اخلاق را مفاهیمی انتزاعی و بی‌ارتباط با مقولات اجتماعی نمی‌دانیم. لذا با توجه به اهمیت ویژه مناسبات میان حکومت و جامعه و تاثیر آن بر سایر حوزه‌های اجتماعی، معتقدیم ارزش‌ها و اصول اخلاقی، بیش از هر عرصه دیگری، باید در عرصه روابط دولت-ملت ظهور و بروز داشته باشد. التزام حاکمان به امانت‌داری و تحقق وعده‌ها و تعهدات در قبال ملت، رعایت حقوق، آبرو و حیثیت و احترام به کرامت انسانی آحاد جامعه و اجتناب ایشان از دروغ، فریب، ریاکاری، نقض عهد، خیانت در امانت، مطلقیت، برتری طلبی و ... از مهمترین لوازم تحقق جامعه‌ای اخلاقی است.

ما اصلاح‌طلبیم؛ ما اصلاح‌طلبی را فراتر از روش و تاکتیکی برای پیشبرد برنامه‌ها و رسیدن به اهداف خود، یک هدف و استراتژی می‌دانیم که جزئی از هویت سیاسی‌مان را تشکیل می‌دهد. ما اصلاح‌طلبی را کم هزینه‌ترین و ماندگارترین راه رسیدن به جامعه مطلوب می‌دانیم. براین پایه، مواجهه ما با مشکلات، انحرافات و نارسایی‌های موجود در کشور، از یک سو بر تعاملی سازنده برپایه حمایت صادقانه از اصول و مبانی نظام جمهوری اسلامی ایران، مصرح در قانون اساسی کشور استوار است و از سویی دیگر مبتنی بر تلاشگری برای اصلاح و بهبود راهبردها، سیاست‌ها، روندها، برنامه‌ها و شیوه‌های اجرایی متخذه و جاری کشور است. ما توسعه‌گراییم؛ توسعه همه جانبه و ملی، در گرو فرآیند

افزایش پایدار ظرفیت‌ها و پویایی‌های یک نظام اجتماعی به منظور برآورده ساختن نیازهای جامعه و تطبیق با شرایط متحول محیطی است. ما معتقدیم تحقق چنین فرآیندی که شامل همه جوانب زندگی جمعی یعنی جوانب سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌شود، از جمله ضروریات و نیازهای قطعی و شرط بقاء استقلال و سربلندی کشور و جامعه ماست. یکی از مهمترین شاخص‌های تحقق چنین توسعه‌ای، تحقق حقوق شهروندی برای دست‌یابی به "شهروند توسعه یافته" و برخوردار از زندگی سالم و طولانی، دانش و معرفت و استانداردهای زندگی شرافتمندانه است. از آنجا که راهبردهای توسعه ناظر به اهداف، ارزش‌ها و بایسته‌های مطلوب یک جامعه است و هر جامعه فرآیند توسعه خود را متناسب با ظرفیت‌ها، امکانات و محدودیت‌های مادی و معنوی خود تعریف می‌کند، به باور ما با توجه به ارزش‌های تعیین‌کننده راهبرد توسعه در جامعه ایران، مهمترین شاخص‌های ارزیابی میزان توسعه یافتگی کشور در حوزه‌های مختلف عبارتند از:

حوزه سیاسی؛ "میزان امکان تشکیل‌یابی سیاسی" و "میزان گستردگی توانان مشارکت و رقابت سیاسی".

حوزه اقتصادی؛ "میزان تولید سرانه ملی" و "میزان تناسب در توزیع درآمد".

حوزه اجتماعی؛ "میزان تقسیم کار و تخصصی شدن" و "میزان احساس مشارکت و همبستگی جمعی".



حوزه فرهنگی؛ "میزان تنوع و خلاقیت و تولید محصولات فرهنگی" و "میزان هم‌پذیری و همزیستی در قالب یک واحد بزرگ فرهنگی".

نگاه ما به حکومت و ملاک دینی بودن آن؛ ما حکومت را به مثابه نهادی عرفی، نتیجه قرارداد اجتماعی و اقدام رضایت‌مندانه آحاد جامعه به واگذاری بخشی از حقوق خود به نهاد حکومت می‌دانیم که اصلی‌ترین وظیفه آن تنظیم ضوابط و مناسبات تأمین‌کننده امنیت و شرایط زیست بهتر و نظارت و اجرای صحیح آن است. حیطة اختیارات و صلاحیت‌های حکومت، محدود به حدودی است که جامعه در قالب قرارداد اجتماعی تجلی یافته در قانون اساسی آن جامعه، برای وی تعیین کرده است و مردم، حق نقد و چرخش مسالمت‌آمیز قدرت را دارند.

ما معتقدیم از میان اشکال و الگوهای آزموده شده حکومت، الگوی جمهوری است که مبتنی بر آزادی و خیر و مصلحت عمومی است، مناسب‌ترین الگوی نظری به شمار می‌رود. همچنین ما براین باوریم که وجود جامعه‌ای برخوردار از امنیت، عدالت، آزادی، اخلاق و معنویت و کرامت انسانی، با طراحی سیاست‌ها و برنامه‌ها و بهره‌گیری از روش‌ها و سازوکارهایی که مغایرتی با مبانی دینی ندارند، مهم‌ترین و اصلی‌ترین شاخص و ملاک دینی بودن حکومت آن جامعه در سطح اهداف و برنامه‌هاست. از سوی دیگر، بارزترین روش‌ها و سازوکارهای مغایر با موازین دینی را، روش

استبدادی در اداره امور کشوری دانیم که با اساس دین یعنی توحید و لازمه آن یعنی کرامت ذاتی انسان مغایرت دارد. بنابراین معتقدیم حکومتی که اراده و مشارکت جامعه در اداره آن نقشی نداشته و بر اساس خواست و اراده فردی یا گروهی معین اداره شود قطعاً حکومت اسلامی نخواهد بود.

▲ اهداف ما؛

حزب توسعه ملی ایران اسلامی با دیدگاه‌های فوق‌ال اشاره فعالیت خود را آغاز کرده و اهداف اصلی و کلان حزب که کلیه اقدامات و فعالیت‌هایش معطوف به تحقق آنهاست، عبارتند از:

- تثبیت و نهادینه کردن اهداف و آرمان‌های اصیل انقلاب اسلامی یعنی استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی
- رشد و ارتقاء سطح آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی جامعه و سازماندهی و بسیج نیروهای اجتماعی به منظور مشارکت در اداره امور کشور
- تحقق کامل اصل حاکمیت انسان بر سرنوشت خویش به عنوان یک حق خدادادی و مورد تأکید قانون اساسی و حفظ کرامت انسانی شهروند ایرانی
- تحقق جامعه‌ای آباد، آزاد و برخوردار از عدالت و امنیت و رفاه
- تحکیم مبانی و بسط مناسبات عادلانه در کلیه سطوح فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی
- ارتقای معنویت و اخلاق در سطح جامعه

● ایجاد زمینه‌های لازم برای توسعه متوازن و پایدار و سرانجام؛ «تحکیم وحدت و همبستگی ملی» که شاید در شرایط کنونی دارای اهمیت ویژه و مضاعفی باشد. چرا که ملت بزرگ و ریشه‌دار ما در طول تاریخ پرحادثه و فراز و نشیب خود، ثابت کرده است که علی‌رغم تکثر و تنوع موجود در جامعه، با همدلی و همبستگی حول منافع مشترک ملی، توان خلق وقایعی معجزه‌گونه را دارند و بارها این ملک دیرین و باستانی را از لبه مخاطرات و پرتگاه‌های مهلک، به سلامت بازگردانده‌اند. لذا ما در شرایط کنونی نیز «همبستگی ملی» را شاهراه اصلی حرکت به سمت حل مسائل و مشکلات کشور و یکی از مهمترین اهداف راهبردی حزب می‌دانیم.

▲ خط مشی ما؛

ما تحقق اهداف اعلامی خود را از طریق التزام به اصول زیر، که خط مشی مختار حزب ماست، دنبال می‌کنیم:

- تأکید بر اجرای بی‌کم و کاست کلیه اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و استفاده از حداکثر ظرفیت این قانون برای حل مشکلات کشور
- التزام به فعالیت قانونی و مسالمت‌آمیز به مثابه اصول رویکرد اصلاح طلبانه
- تلاش در جهت رشد آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی جامعه
- التزام به تکثر سیاسی و احترام به حقوق همه تشکل‌ها

و فعالان سیاسی

• التزام به اصول اخلاقی در کلیه امور به ویژه در رقابت‌های سیاسی

• التزام به منافع و مصالح ملی و مقدم داشتن آن بر منافع حزبی
• دفاع از حقوق و آزادی‌های اساسی از جمله آزادی بیان، آزادی رسانه‌ها، آزادی اجتماعات و ...

• تلاش در جهت استیفا و تثبیت حقوق شهروندی

• تلاش در جهت تقویت حزب و نهادهای مدنی

• تعامل با نهادهای حکومتی از طریق حمایت و نقد عملکردها و ارائه پیشنهادهای و برنامه‌های مفید برای حل مشکلات کشور

• احترام به تکثر قومی، فرهنگی و مذهبی جامعه ایران و حمایت از حقوق پیروان ادیان، مذاهب و اقوام ایرانی در چارچوب قانون اساسی و تلاش برای مشارکت هر چه بیشتر اقوام و مذاهب در اداره امور کشور

• تلاش در جهت تمرکز زدایی و توزیع قدرت در اداره امور کشور در چارچوب قانون اساسی

• تلاش برای مشارکت در اداره امور کشور از طریق تهیه و ارائه برنامه برای حوزه‌ها و بخش‌های مختلف، مشارکت در انتخابات و ...

• تلاش و تمرکز بر امر شفاف‌سازی و مبارزه با فساد سازمان‌یافته در همه ابعاد

حزب توسعه ملی ایران اسلامی در آغاز مسیر حرکت خود

و برای بسط و گسترش اندیشه‌ها و تحقق اهداف پیش گفته، صمیمانه دست طلب یاری و همکاری بسوی کلیه همفکران دراز می‌کند. همچنین دست کلیه همراهان خود را در جامعه و سایر گروه‌ها و تشکل‌ها به گرمی می‌فشارد.

پاینده باد ایران سرفراز

پیروز باد ملت مقاوم و تاریخ‌ساز ایران

برافراشته باد پرچم اسلام رحمانی

حزب توسعه ملی ایران اسلامی

خردادماه ۱۳۹۷